

۴ - صاحب الدیوان خواجه علاء الدین عطا ملک

Alaa-ed-Din

بن بهاء الدین محمد برادر خواجه شمس الدین سابق الذکر مؤلف تاریخ

جهانگشای وزیر آباقا خان بطوریکه نویسی در نهایت الارب نوشته

در سنه ۶۲۳ متولد شد و در ۶۸۰ وفات نمود (۱)

ذهبی در تاریخ الاسلام (۲) مینویسد در زمان سلطنت آباقا خان عطاء ملک و برادرش شمس الدین به منتهای جلال و عظمت رسیده امور حال و عقد مملکت بدست آنها اداره میگردد و در سال ۶۸۰ مجد الملک عجمی به بغداد آمد صاحب دیوان ویرا دستگیر نموده مغلول کرد اموالش مصادره گردید و کسانش با امر صاحب دیوان گرفتار شدند همینکه منکو نمر از شام مراجعت کرد علاء الدین را با خود به همدان برد و در همانجا آباقا خان و منکو نمر وفات نمودند و در ایام ملک احمد روزگار علاء الدین بخوشی گذشت اما همینکه ارغون بن آباقا بسطنت رسید در صدد ایذاء دو برادر بر آمد و آنان از ترس وی پنهان شدند تا آنکه علاء الدین پس از یک ماه پنهانی در گذشت و ملک لور یوسف از ارغون برای خواجه شمس الدین امان نامه دریافت نموده و خواجه را بحضور ارغون خان برد ارغون با وی خیانت نمود او را بقتل رسانید و حکومت عراق را به سعد الدین عجمی و مجد الدین بن اثیر و امیر علی جگینان واگذار کرد اما بفاصله یکسال ارق وزیر ارغون هر سه نفر را از پای در آورده بقتل رسانید

بهر حال علاء الدین و برادرش از بزرگان رجال سخی الطبع خیرخواه عادل مهربان بوده اند علاء الدین در حدود سال ۶۶۰ بعد از عماد قزوینی بحکومت عراق معین شد با رعایا به مهربانی و حسن سلوک رفتار نمود قسمتی از مالیات آنها را بخشید و در نتیجه قراء و قصبات آباد گردید علاء الدین نهری از فرات حفر نمود که مبداء آن انبار و به نجف اشرف منتهی میگردد و یکصد و پنجاه قریه در کنار آن نهر بنا نمود پاره از مورخین در باره وی مبالغه نموده گفته اند در ایام حکومت وی آبادی بغداد بهتر از دوره خلفا بوده است صفحی در ضمن کتاب ذیل ابن خلکان

(۱) و (۲) از مقدمه جهانگشای قبح و قبو ابوالفداء نیز در حوادث سال ۶۸۰ ذکر نموده است

مینویسد همینکه مجد الملک علاء الدین را دستگیر و مغلول نمود مشار الیه این اشعار را انشاء کرد

قَالَ خَيْرُ فِيهِ لَعَلَّهُ

لَا تَيَأْسَنَ لِمَا جَرَى

يَعْصِي إِلَّا لَهُ فَعَلَّهُ (۱)

قَدْ كَانَ عَبْدًا أَبْقَا

وفات علاء الدین

همینکه تکو دارین هولاکو معروف بسططان احمد جلوس نمود بین او با پسر برادرش ارغون بن آباقا نزاعی واقع شد و ارغون خان از تقرب و منزلت علاء الدین و شمس الدین نزد تکو دار غضبناک گردید بعلاوه عدّه علاء الدین را به مسموم نمودن آباقا خان متهم کردند (۲) تا آنکه ارغون در سال ۶۸۱ به بغداد آمد و از علاء الدین بقایای مالیات زمان آباقا خان را مطالبه کرد و خواص یاران علاء الدین را دستگیر نمود از آنجمله نجم الدین اسفر یا اصغر از خواص علاء الدین چند روز قبل از ورود ارغون به بغداد وفات نموده بود ارغون فرمان داد قبرش را نبش نموده و جسدش را در کوچه انداختند همینکه علاء الدین این مطلب را شنید از شدت تأرصداعی بروی عارض گشته فوراً وفات نمود ۴ ذیحجه ۶۸۱ (۳) وفات علاء الدین در شهر مغان اتفاق افتاده و جسدش را بتبریز نقل نموده و در مقبره چرنداب دفن کردند سلطنت احمد خواجه هرون برادر زاده شمس الدین را بحکومت بغداد بجای علاء الدین ارسال نمود (۴) علاء الدین از بزرگان اهل فضل و کمال بوده کمال الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی متوفی در سال ۶۷۹ کتاب شرح نهج البلاغه را بنام وی تألیف کرده قاضی نظام الدین اصفهانی کتاب شرف ایوان البیدان فی شرف بیت صاحب الدیوان که نسخه از او در کتابخانه ملی پاریس موجود است برای وی تألیف کرده همچنین شمس الدین محمد بن نصرالله بن رجب معروف به ابن صیقل جزری مقامات زینبیه که عبارت از پنج مقامه است و بطرز مقامات حریری ترتیب داده شده برای علاء الدین وضع کرده و از او هزار دینار طلا جایزه دریافت داشته است . . . شیخ سعدی شیرازی و

(۱) تاریخ و صاف ۱۱۹ و از نهیة الارب نویری از مقدمه جهانگشا صفحه نظ (۲) تاریخ و صاف

۱۱۹ و جامع التواریخ و این اصح اقوال است در تاریخ وفات او (۳) تذکره سمرقندی ۱۵۷

[۴] جامع التواریخ و ابوالفداء در حوادث سال ۶۸۰

خواجه عمام الدین تبریزی اورا بانواع مدایح مدح کرده اند
آثار علمی علاء الدین

۱ - کتاب تاریخ جهانگشای مشتمل بروقایع مهمه تاریخ مغول و خوارزمشاهیان و اسمعیلیه که مؤلف عینا شاهد قضیه بوده یا از اشخاص موثقی بلا واسطه شنیده است علاء الدین از کتب اسماعیلیه استفاده بسیار نمود چه کتابخانه آنان در الموت بامر هولاکو تحت اختیار وی گذارده شد از آنجمله کتابی موسوم به (سرگذشت سیدنا) راجع بحالات حسن صباح در دست علاء الدین افتاد و شرح حال حسن را از آن کتاب بطور خلاصه در جلد سوم جهانگشا نگاشته است رشیدالدین فضل الله در جلد دوم جامع التواریخ این قضیه را بتفصیل ذکر مینماید باری کتاب تاریخ جهانگشای مورد اعتماد و ثوق مشاهیر مؤرخین میباشد از آنجمله عبدالله بن فضل الله شیرازی صاحب تاریخ و صاف خلاصه از مجلدات جهانگشای ترتیب داده و بجلد چهارم الحاق نموده است ۶۰۰ - ۷۲۸ رشیدالدین فضل الله وزیر غازان خان و اولجایتو کلیه مواد جهانگشایرا در کتاب جامع التواریخ خود درج نموده است کتاب مزبور در حدود سنه ۷۱۰ تالیف شده است

ابوالفرج غریغور موسی بن هرون طیبی ملطی معروف بابن عبری متوفای در سنه ۶۸۵ ساکن مراغه در تاریخ عمومی خود بزبان سریانی و تاریخ مختصر الدول بعربی از کتاب تاریخ جهانگشای نقل و اقتباس مینماید

ابن طباطبای معروف بابن طقطقی در کتاب خویش موسوم بد فخری و احمد بن یحیی بن فضل الله کاتب دمشق در کتاب مسالك الابصار از مندرجات تاریخ جهانگشای نقل نموده اند کتاب مسالك الابصار مشتمل بر بیست مجلد در کتابخانه ملی یاریس موجود میباشد . . باری کتاب تاریخ جهانگشای مشتمل بر سه مجلد است

(۱) در عادات و رسوم مغول و قوانین موضوعه چنگیز خان معروف بیاسای چنگیزی و تاریخ چنگیز و خروج وی و فتوحات او در ممالک ایغور و در اینجا شرحی راجع بتاریخ و عوائد و رسوم اقوام ایغور نیز ذکر مینماید سپس بطور تفصیل از فتوحات چنگیز در ماوراء النهر و ایران ذکر نموده شرح خرابی و قتل و غارت مغول

وانقراض خوارزمشاهیان و غیره را تا زمان مرگ چنگیز بیان میکنند ۶۱۵ - ۶۲۴
 بعد از آن بذکر حوادث تاریخ سلطنت اوکتای قان بن چنگیز ۶۲۶ - ۶۳۹
 و سلطنت توراکینا خاتون و سلطنت کیوک خان پرداخته و در تاریخ توش خاتمه مییابد
 ۲ - در تاریخ خوارزمشاهیان ملوک قراختای گورخانیان و پادشاهان افراسیابی
 ایلک خانی آل خاقان شرح حالات حکام و امراء مغول از عهد اوکتای قان
 تا ورود هولاکو بایران ۶۲۶ - ۶۵۳

۳ - در شرح تاجگذاری و جلوس منکوقاء ان بن تولی بن چنگیز خان ۶۴۹
 و پاره وقایع اوایل سلطنت وی و تفصیل حرکت هولاکو بایران (۶۵۳) وانقراض
 اسماعیلیه و تاریخ ملوک اسماعیلیه در الموت و شرح مذاهب آن که از سنه ۶۵۰
 یا ۶۵۱ تا ۶۵۸ تألیف این قسمت انجام یافته است

از کتاب تاریخ جهانگشای نسخه های بسیاری در موزه های اروپا موجود است
 که مهم ترین آن هفت نسخه مختلفه در کتابخانه ملی پاریس است شیخ محمدخان
 قزوینی معاصر هفت نسخه مزبور را مطالعه نموده و در موقع طبع تاریخ جهانگشای
 مقدمه و شرحی بر آن نگاشته و در تصحیح آن اهتمام نموده است (بکتاب تاریخ
 جهانگشای جلد اول منطبعه لیدن در سال ۱۳۲۹ هـ مراجعه شود) مانیز قسمتی
 از حالات آل جوین (۱) را از کتاب مزبور اقتباس نمودیم بصفحه (د - تکو) مراجعه شود

۲ - دیگر از مؤلفات علاء الدین رساله موسوم به تسلیة الاخوان میباشد کتاب
 مزبور مشتمل بر ذکر مصائب و محنی است که بسعایت مجدالملک بر علاء الدین وارد
 آمده و آن کتاب در حدود سنه ۶۸۰ موقعیکه آباقان ویرا از حبس رها
 نمود تألیف گردید

۳ - رساله که مؤلف آن معلوم نیست و ظاهراً تتمه رساله تسلیة الاخوان (۲)
 است تا موقع جلوس سلطان احمد و قتل مجدالملک یزدی میباشد کتاب مزبور
 شش ماه قبل از مرگ علاء الدین تألیف شده است و دو نسخه آن در کتابخانه
 ملی پاریس موجود است

خواجه سعدالدین آوی

Saad-ed-Din

بعد از شهادت خواجه صدرالدین احمد زنجانی غازان خان سعدالدین آوی را بامشارکت خواجه رشیدالدین آوی بوزارت تعیین نمود پس از مرگ غازان در سنه ۷۰۶ سلطان محمد خدا بنده جانشین وی هر دوی آنها را بوزارت باقی گذارد اتفاقاً تراضی بین سعدالدین و رشیدالدین در گرفته سعدالدین باعده از همراهان نزد خدا بنده از رشیدالدین شکایت نمود خدا بنده شخصاً مطلب را تحقیق نموده بی گناهی رشیدالدین بروی ثابت گشت لذا بر سعدالدین متغیر شده ویرا معزول و اموالش را معادله کرد بهر حال سعدالدین در ترویج مذهب شیعه و تکریم علماء اهتمام بلیغ داشت علامه حلی رساله سعدیه را بنام او تالیف کرد نظام الدین اعرج نیشابوری شرح محیطی را برای وی ترتیب داده است (۱)

خواجه علاء الدین فریومدی

Alaa-ed-Din

از رجال نامی خراسان در زمان سلطان ابوسعید بمقام وزارت نایل گشت صحن مقدس حضرت رضا و دو مناره و چندین بنای عالی در آن روضه مبارکه بنا نمود پس از مرگ ابوسعید عبدالرزاق سر سلسله امراء سربداریه با هفتصد نفر از همراهان بروی خروج نمود پسر خواهر علاء الدین را شبانه کشته و در روز جسدش را تیر باران کرد علاء الدین خواجه جلال الدین را با هزار نفر بجنک وی اعزام داشت در خارج قریه مغیثه بین جلال الدین و عبدالرزاق جنگ مفصلی روی داد بالاخره عبدالرزاق غالب شده اتباع جلال الدین فرار نمودند و خودش در قریه دلاباد از توابع کوهبار کبود بتاريخ ۷۳۷ کشته شد عبدالرزاق خزاین و اموال علاء الدین را غارت کرد و از راه باشین مراجعت کرده شهر سبزوار فتح نمود از این به بعد کارش بالا گرفت (۲) تفصیل این قضایا ضمن حالات ملوک سربداریه کاملاً مذکور شد بمجلد حالات ملوک از این کتاب مراجعه شود

(۱) و (۲) از مجالس المؤمنین و تذکره سرفندی و رحله بن بطوطه نقل شده است

فصل دوم

وزرای شیعه

که در دربار های موافق مذهب و سیاست خود وزارت نموده اند

۱- وزراء آل بویه در عراق

مقدمه

شیعه امامیه از دیر زمانی در ایران و عراق و آذربایجان و موصل و شاه و هند حکومت ها و سلطنت های مستقل یا نیم مستقلی تشکیل داده اند که شرح حال سلاطین و فرمانروایان آن در قسمت سلاطین این کتاب منطبعة طهران ذکر شده است نخستین دولت مهم شیعی در ایران که محتاج به تعیین وزراء و تشکیل دوائر بوده ابتداء دولت آل بویه سپس صفویه و زندیه و افشاریه (این دو قسمت اخیر وزراء مهمی نداشته اند) و قاجاریه بوده اند اگر چه حکومت های نیم مستقل دیگری مانند چوپانیان ایلخانان آل جلایر قره قونلو در آذربایجان سربداریه در سبزوار و خراسان و مرعشه در طبرستان و کار کیا در کیلان و آل المشعشع در خوزستان و بنی شاهین در بطیحه بین واسط و بصره و بنی مزید در حله و بنی عقیل در موصل و بنی حمدان در حلب و شام و عادلشاهیان در بیجاپور و نظامشاهیان در احمد نگر و قضاشاهیه در حیدر آباد تاسیس و تشکیل یافته اند ولی نظر بعهده اهمیت و دوام آنان یا نبودن وزراء نامی دانشمند در دربار سلاطین مزبور عینا بشرح حال وزرای چهار دولت سابق الذکر میردازیم

آل بویه یا دیالمه از سنه ۳۲۵ تا ۴۴۷ حکومت نموده اند آثار مادی و ادبی این طایفه در ترویج مذهب امامیه در عراق و ایران و تقویت آنها از دولت فاطمی مصر و حکومت حمدانی شام و حلب در جزء اول از تاریخ سیاسی این کتاب شرح داده شد و شرح حالات ملوک آل بویه با خلاصه حوادث زندگانی آنان در جلد دوم این کتاب ذکر شده است (از صفحه ۵ تا ۲۱)

آل عمید

۱- سر سلسله این خاندان حسین بن محمد

ملقب به عمید وزیر مرداویج میباشد

Amid

عمید و پسرش ابو الفضل بن عمید وزارت رکن الدوله بن بویه را نموده است عماد الدوله بن بویه به مساعدت عمید مذکور از دست مرداویج رهائی یافت بدین ترتیب که مرداویج بن زیار حکومت کرج و سایر نواحی آن بلده را به عماد الدوله و عدّه از سرکردگان سپاه واگذار نمود عماد الدوله بسمت ری حرکت کرد پس از عزیمت

عماد الدوله مرداویج از کرده خرد پشیمان شده به برادر خویش وشمگیر بن زیار حاکم ری مرقوم داشت که عماد الدوله و سایر سرکردگان را توقیف نماید این مکتوب موقع مغرب به عمید وزیر در ری رسید عمید نظر بسابقه مودت با عماد الدوله قضیه را سزا باو خبر داده مشار الیه فوراً با یاران راه بسمت کرج حرکت نمود و فردای آنروز مراسم را به وشمگیر ارائه دادند وشمگیر در سدد بر آمد که عتده را به تعاقب عماد الدوله اعزام دارد ولی عمید وشمگیر را از وخامت وضعیت هراسانیده از این خیال باز داشت تفصیل این وقایع در شرح حالات عماد الدوله مذکور گردید (۱)

۲ - ابو الفضل محمد بن حسین عمید بن محمد وزیر حسن بن بویه

Abol-Fasl-Mohamed.

پدر عضد الدوله بوده است ابن عمید در علم نجوم و فلسفه تتبع کامل داشت و در علم انشاء از استادان معروف است ثعالی درباره وی مینویسد که انشاء به عبد الحمید شروع گشته و باین عمید خاتمه مییابد در ادبیات نیز سر آمد اقران بود شعراء نامی قصاید بسیار در مدح وی سروده اند از آنجمله متنی است که سه هزار دینار برای يك قصیده رایشه از ابن عمید دریافت نمود وزیر مذکور در علوم متقدمه بهره وافر داشته و متبانی در یکی از اشعار خویش بدین قسمت اشاره مینماید

مَنْ مَبْلُغُ الْأَعْرَابِ أَنِّي بَعْدَهَا شَاهَدْتُ رَسْطًا لَيْسَ وَالْأَسْكَندَرُ

صاحب این عباد و ابن عمید با یکدیگر معاصر و الفت تامی داشتند شعار ذیل را صاحب بن عباد بمناسبت ورود ابو الفضل باصفهان سرانیده است .

قَالُوا رَبِّعُكَ قَدْ قَدِمَ قُلْتُ الْبَشَارَةُ أَنْ سَلِمَ

أَهْوَى الرَّبِيعُ أَخُو الشِّتَاءِ أَمَ الرَّبِيعُ أَخُو الْكَرَمِ

قَالُوا الَّذِي بَنَوَالِهِ أَمِنَ الْمُقَلُّ مِنَ الْقَدَمِ

(۱) صفحه ۶ - ۸ از مجلد ملوک امامیه منصبه تهران مراجعه شود .

قُلْتُ الرَّئِيسُ بْنُ الْعَمِيْدِ دَاذَا فَقَالُوْا لِي نَعَمْ

نثر و نظم ابن عمید

کلمات ذیل از قصار ابن عمید ذیلاً درج میشود:

خَيْرُ الْقَوْلِ مَا آغْنَاكَ جَدُّهُ وَ الْهَاكُ هَزْلُهُ . . الرُّتْبُ لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِتَدْرِجٍ
وَ تَدْرِبٍ وَ لَا تُدْرِكُ إِلَّا بِتَجَشُّمٍ كُفَّةٍ وَ تَعَصُّبٍ . . الْمَرْءُ أَشْبَهُ شَيْئٍ بِزَمَانِهِ
وَ صِفَةُ كُلِّ زَمَانٍ سَجِيَّةٌ مِنْ سَجَايَا سُلْطَانِهِ . . الْمَرْءُ يَبْدُلُ مَا لَهُ فِي إِصْلَاحِ
أَعْدَائِهِ فَكَيْفَ يَذْهَبُ الْعَاقِلُ عَنْ حِفْظِ أَوْلِيَائِهِ . . هَلِ السَّيِّدُ الْآمِنُ
تَهَابُهُ إِذَا حَضَرَ وَ تَعْتَابُهُ إِذَا دَبَّرَ

اشعار مندرجه ذیل را ابن عمید به ابوالفرج بن هند که از مشاهیر ادیبای معاصر
وی بوده در صبح دامادی ادیب مزبور نگاشته است

و از دد بز و جتک ارتیاحا	انعم آبا حسن صباحا
فهل استبنت له جماحا	قد رخت طرفك خاليا
فهل استبنت له انقداحا	وقد حثت زندق جاهدا
هيا الا له له انفتاحا	و طرقت منقلقا فهلا

مقداری از نظم و نثر ابن عمید در جزء سوم یتیمه الدهر ثعالی مندرج است و
از او دیوان شعری با مجموعه نثر بما تا بحال نرسیده است

ابوحیان توحیدی در هجو و انتقاد صاحب بن عباد و ابن عمید کتابی موسوم به
مثالب الوزيرین تألیف نموده و با نهایت بی انصافی شرحی از نقایص و عیوب مشارالیهما
مذکور داشته است ابن خلکان در باره کتاب فوق معتقد است که از کتب
منحوسه بشار میرود زیرا هر کس مالک وی شده سریعاً دچار پریشانی و بدبختی
گردیده است (۱)

(۱) این عقیده ابن خلکان موهوم است و علت طبیعی ندارد زیرا که مالکین کتابهای ردود و انتقادات
بر کتابهای آسمانی و دینی و مذهبی یشمارند و دچار پریشانی و بدبختی نگردیده اند

وفات ابن عمید

بنا بر روایت ابوالحسن هلال بن اسحاق صابی وفات ابن عمید در اثر مرض نفرس و قولنج در ماه محرم ۳۵۹ هجری اتفاق افتاد و بعقیده (۱) بعضی در سنه ۳۶۰ بوده است کتاب تاریخ ابن عمید که جزو کتب موجوده در کتابخانه اسلامبول است منسوب بمومی الیه و ممکن است از تألیفات وی بوده باشد (۲)

۳ - ابو الفتح ذوالکفایتین علی بن محمد بن عمید وزیر رکن الدوله

Abol-Fath Ali

در نسمة السحر (۳) مذکور است که پس از فوت ابن عمید پسرش ابوالفتح بوزارت رکن الدوله نایل شد ابوالفتح مانند پدر از ادباء دانشمندان نامی بوده بلکه مشتهر بر مشتهر به برتری داشته است و در استقامت رأی نمونه از اخلاق والد خویش بوده حصری اندلسی شعر ذیل درباره وی تمثیل نموده

فَكَانَ الْمَيْتَ حَيًّا غَيْرَ أَنَّ الضَّادَ مِيمٌ (۴)

فضل و کمالات ابوالفتح

ثعالبی مینویسد که ابن عمید عده جاسوسان مخفی برای اطلاع از حالات فرزند خویش ابوالفتح گماشته بود که سراً با وی مراوده نموده و قضایا را برای ابن عمید راپورت میدادند اتفاقاً یکی از جاسوسان چنین خبر داد که ابوالفتح بیشتر اوقات خود را به عیش و نوش گذرانیده و در خوش گذرانی افراط مینماید مخصوصاً چند شب قبل مراسله به یکی از رفقا نوشته و در نیمه شب از وی شراب خواسته است ابن عمید شخصی نزد رفیق پسر خود ارسال داشته و مراسله ابوالفتح را مطالبه نمود

(۱) جرجی زیدان در تاریخ ادب اللغة ۲۶۹ ج ۲ (۲) شرح حالات ابن عمید مبسوطاً در ج ۲ ابن خلیکان ۱۶۹-۱۷۳ طبع ایران و ج ۳ یبنة الدهر ثعالبی مسطور است (۳) نسمة السحر فیمن تشیع و شعر تألیف ضیاء الدین کواکبی زیدی یعنی در دو مجلد است نسخه مجلد دوم منحصر بکتابخانه شیخ علی آکشف العطاء میباشد و از آن کتاب در این مجلد نقل نمودیم (۴) حصری اندلسی تا اینها از شعراء معروف اندلس بوده پس از مرگ معتضد بن عبّاد و جلوس معتضد بن عبّاد اشعاری سرانیده که دو بیت آن ذیلا درج میشود

بَقِيَ الْفَرْعُ الْكَرِيمُ

غَيْرَ أَنَّ الضَّادَ مِيمٌ

مَاتَ عَبَّادٌ وَلَكِنْ

فَكَانَ الْمَيْتَ حَيًّا

مراسله مزبور بخط ابوالفتح و چنین نگاشته شده بود
 قَدْ اُعْتَمْتُ الدَّيْلَ يَا سَيِّدِي اَطَالَ اللهُ بَقَاءَكَ رَقْدَةً مِنْ عَيْنِ الذَّهْرِ وَانْتَهَرْتُ
 فُرْصَةً مِنْ فُرْصٍ وَ اِنْتَضَمْتُ مَعَ اصْحَابِي فِي سَمَطِ الشَّرِيفَانِ لَمْ تَحْفَظْ عَلَيْنَا
 بِاهْدَاءِ الْمُدَامِ عَدْنَا كِبَنَاتٍ نَعَشٍ وَالسَّلَامِ

ابن عمید پس از مطالعه مکتوب از فضل و کمال فرزند خویش شادمان شده دو هزار
 دینار بعنوان انعام برایش ایفاد نمود

سبب بد بختی ابوالفتح و آغازان

پس از فوت رکن الدوله ابوالفتح بوزارت مؤید الدوله پسرش تعیین گردید صاحب
 بن عباد با ابوالفتح میانه خوبی نداشته و از یکدیگر ناراضی بودند بالاخره
 سعایت صاحب مؤثر شده و مؤید الدوله ابوالفتح را دستگیر نموده و فرمان داد
 ریشش را بریده و دماغش را قطع نمایند ابوالفتح همینکه از زندگانی مایوس
 گردید صورت فهرست اموال خویش و پدر را از بغل در آورده و در حضور مامورین
 مؤید الدوله سوزانید و بموکلین اظهار داشت که آنچه مأموریت دارید انجام دهید بخدا
 قسم دیناری از اموال من نصیب مؤید الدوله نخواهد گردید و بالاخره در زیر
 شکنجه و عقوبت مامورین مؤید الدوله جان سپرد سال ۳۶۶ (۱) تعالی مینویسد
 که ابوالفتح پس از قطع بینی و محاسن و نومیدی از حیات در ساعات آخر زندگانی دو
 رکعت نماز گذارده قلم و کاغذ خواسته اشعار ذیل را انشاء و تحریر نمود

بَدِّلْ مِنْ صُورَتِي الْمَنْظَرُ لَكِنَّهُ مَا غَيْرِ الْمَنْجَبِ

وَ لَسْتُ ذَا حَزَنِ عَلِيٍّ فَائِتٍ لَكِنَّ عَلِيٍّ مِنْ بَاتٍ يَسْتَعْبِرُ

ابن خلکان (۲) مینویسد که اشعار ذیل راجع بال برمک و آل عمید گفته
 شده است

آل العميد و آل برمك مالكم قل المعين لكم و ذل الناصر

كان الزمان يحبكم فبدى له ان الزمان هو النون الغادر

ابو محمد حسن بن محمد بن حاتم

بن قبیصة بن ابی صفره ازدی مهلبی وزیر معز الدوله بویه

Abou Mohamed Hassan.

حسن بن محمد از رجال با شرافت عظیم القدر دانشمند بوده است قبل از درک خدمت معز الدوله دیلمی با کمال فقر و فاقه میزیست و ابیات بسیاری حسب الحال خویش گفته بود که دو شعر آن ذیلاً نقل میشود:

أَلَا مَوْتُ يُبَاعُ فَاشْتَرِيهِ فَهَذَا الْعَيْشُ مَا لَا خَيْرَ فِيهِ

أَلَا مَوْتُ لَذِيذُ الطَّعْمِ يَاي يُخْلِصُنِي مِنَ الْمَوْتِ الْكَرِيهِ

تا آنکه در سال ۳۳۹ بوزارت معز الدوله نایل گشته دارای جاه و جلال گردید ولادت وی در شهر بصره بتاريخ ۲۹۱ و وفاتش در سال ۳۵۲ بین راه واسط اتفاق افتاد جسدش را ببغداد حمل نموده در مقابر قریش دفن کردند ابو عبد الله حسین بن حجاج شاعر مشهور مرثی چندی در باره وی گفته از آنجمله است

فَلْيَعْلَمَنَّ بَنُو بُوِيَه أَنَّهُ فُجِعَتْ بِهِ أَيَّامُ آلِ بُوِيَه (۱)

صاحب بن عباد وزیر مؤبد الدوله و فخر الدوله (۲)

Saheb-ibn Abbad.

کافی الکفاة ابو القاسم اسماعیل بن حسن بن عباد بن عباس بن احمد بن ادريس طالقانی ولادتش بقول یا قوت در معجم الادباء بتاريخ ۳۲۶ هجری و وفاتش در شهر ری بتاريخ ۳۸۵ واقع شد جنازه اش را از ری باصفهان حمل نموده و در محلی موسوم بیاب دریه دفن کردند (قبر صاحب تا این ایام در مقبره باب طوقچی اصفهان معروف است) صاحب روضة الصفا مینویسد در موقع تشییع صاحب بن عباد تمام امراء و اعیان آل بویه مقابل جنازه وی بخاک افتادند و تجلیل فوق العاده منظور داشتند

(۱) ابن خلکان ۱۵۵ ج ۱ طبع ایران (۲) شرح حالات ابن عباد مذکور در صفحه ۷۵ ج ۱ ابن خلکان و ۲۷۳ ج ۲ معجم الادباء یا قوت و ۳۱ ج ۳ و ۱۵۷ ج ۴ یتیمه الدهر و ۱۳۵ فهرس ابن الندیم و ۳۹۷ طبقات الادباء مسطور است و از آن کتابها در اینجا نقل نموده ایم

عباد پدر صاحب

یاقوت در کتاب معجم الادباء از کتاب منتظم (تاریخ) نقل مینماید که ابو الحسن عباد از دانشمندان عصر خویش بوده و در خدمت ابو حنیفه الفضل و سایر فضلاء دانشمندان ری و اصبهان تلمذ نموده است و کتابی در احکام قرآن از تالیفات عباد باقی است که در آن مذهب اهل اعتزال را تصحیح کرده است

باری عباد و پسرش صاحب هر دو در سال ۳۸۵ هجری وفات نمودند مراسلات و مکاتبات بین عباد و حسن بن عبد الرحمن بن حماد قاضی معروف و مشهور است صاحب بن عباد شخصا از نوایع عصر خویش بوده که بین امور سیاسی و ادبی مقام ارجمند را حائز شده بود و در علوم مختلفه خصوصاً علم لغت و کلام و انشاء مهارت تامی پیدا نمود علماء علم رجال در شرح حال و فضایل صاحب مطالب مشروحی نگاشته اند ولی یاقوت در معجم الادباء چندان بمقام صاحب اهمیتی نداده است اینک تشیع صاحب را ذکر نموده سپس بوزارت و علم و کمالات وی را بیان خواهیم نمود

تشیع صاحب بن عباد

شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه که از مشاهیر زعماء شیعه محسوب میشود در اول کتاب خویش موسوم بعیون اخبار الرضا (۱) راجع بصاحب بن عباد چنین مینویسد

وقع الی قصیدتان من قصائد الصاحب الجلیل کافی الکفاة ابوالقاسم اسمعیل بن عباد اطال الله بقائه و ادام الله توفیقه و نعمائه فی اهداء السلام الی الرضا علیه السلام فصنفت هذا الكتاب لخزائنه المعمورة ببقائه اذ لم اجد شیئاً آثر عنده و احسن موقفاً لديه من علوم اهل البيت (ع) لتعلقه ادام الله عزه بحبهم و استمائه بولایتهم و اعتقاده بفرض طاعتهم و قوله بامامتهم و اكرامه الی ذریتهم و احسانه الی شیعتهم

ابو الفتح رازی در تفسیر کبیر (۲) خویش چنین نقل میکند که نقش انگشتری صاحب بن عباد عبارت ذیل بوده است

علی الله توکلت و با الخمس توصلت و در سایر انگشتری های وی چنین درج شده بود

(۱) در ایران طبع شده است (۲) خطی است و نصف او در عهد مظفر الدین شاه قاجار طبع شده است و تا حال ناقص مانده است

(شفيح اسماعيل في الاخره محمد والعترة الطاهره) ابن شهر آشوب در كتاب معالم العلماء (۱) و عده از شعراء شيعة تشيع صاحب را بطور قطع مدلل و ثابت نموده اند شيخ حرّ عامي در كتاب امل الامل راجع بصاحب بن عباد مينويسد .. و كان مستقيما اعجميًا الا انه يفضل العرب على العجم ..

حسن بن علي طبرسي در كتاب كامل البهائي (۲) ده هزار بيت در مديح ائمه اطهار بصاحب بن عباد نسبت ميدهد بعلاوه مطالبتي از كتاب صاحب در علم كلام نقل مينمايد كه پس از ذكر نبي (ص) اظهارات مفصل راجع بائمه اطهار و حضرت اميرالمؤمنين ذكر شده است كه تماما بر خلوص نيت صاحب و تشيع او دلالت مينمايد (۳)

وزارت صاحب

معظم له اولين (۴) وزيری است كه بصاحب ملقب شده است زيرا از هنگام طفوليت بامؤيد الدوله ديلمی مصاحب بوده و بدین جهت به صاحب ملقب گردیده است صاحب بن عباد مدت هيچده سال و چند ماه بوزارت مؤيد الدوله و برادرش فخرالدوله پسران ركن الدوله اشتغال داشته است در تمام مدت وزارت داراي اختيارات تام وفي الواقع سلطنت مينمود شعراء و ادباء اطراف بحضورش گرد آمده مجلس صاحب بزرگترين مجمع ادبي و علمي دوره خود بود و از قول صاحب نقل مينمايند كه گفته است صد هزار قصيده عربي و فارسي در مديح من سرائيده شده ولي گفتار ابوسعيد شاعر رستمي اصفهاني ييش از تمام آن قصائد مرا سرور نمود كه چنين ميگويد

وَزَّتْ الْوِزَارَةُ كَابِرًا عَنْ كَابِرٍ مَوْصُولَةَ الْأَسْنَادِ بِالْأَسْنَادِ
يُرْوِي عَنِ الْعَبَّاسِ عِبَادَ وَزَا زَتْهُ وَأَسْمَاعِيلُ عَنْ عِبَادِ (۵)

توجه صاحب بفضل وفضلا

صاحب بن عباد در ادبيات شاگرد ابن عميد و ابن فارس و پدر خویش بوده است

(۱) خطي است (۲) خطي است (۳) ابن شهر آشوب ص ۴۳ ج ۲ از كتاب مناقب اشعار صاحب در مدح حضرت امير (ع) نقل نموده است (۴) تمدن اسلامي ۱۴۶ ج ۱ (۵) ابن خلکان ج ۱ و يتيمة الدهر ج ۲ و ۳

و بقسمی در آن فن متبع بود که مورد توجه استادان خویش و عموم فضلا گردید در علم لغت و کلام و نحو و شعر و ادبیات استاد زیر دستی بوده است ابن بابویه کتاب عیون اخبار الرضا را برای وی تألیف نمود حسن بن عبدالملک قمی کتاب تاریخ قم را (۱) بامر وی ترتیب داد (مجلسی در بحار الانوار از کتاب مزبور مطالب بسیاری نقل مینماید) ثعالی کتاب یتیمه‌الدهر را در حالات صاحب و شعرای معظم له تألیف نموده است ثعالی در کتاب مزبور پس از ذکر صاحب با ستایش و نعوت فراوان چنین مینویسد

(وَ أَصِفُّ بِهِ مِنْ نَجْمِ الْأَرْضِ وَ أَفْرَادِ الْعَصْرِ وَ ابْنَاءِ الْفَضْلِ وَ قُرَّانِ الشِّعْرِ مِنْ يَرْبُو عَدَدَهُمْ عَلِيٌّ شِعْرَاءِ الرَّشِيدِ وَ لَا يَقْصِرُونَ عَنْهُمْ فِي الْأَخْذِ بِرِقَابِ الْقَوَافِي وَ مِلْكِ رَقِّ الْمَعَانِي) : در جای دیگر از همان کتاب راجع بصاحب بن عباد مینگارد: (وَ مَدَّحَهُ مَكَاتِبُهُ الشَّرِيفِ الْمَوْسَوِيِّ الرَّضِيِّ وَ أَبُو اسْعَاقِ الصَّابِي وَ ابْنُ الْحِجَّاجِ وَ ابْنُ سَكْرَةَ وَ ابْنُ نَبَاتَةَ) احمد بن فارس مؤلف کتاب المعجم الصحاحی در فقه و قواعد لغت عربی را با اسم صاحب مذکور وضع نموده و در سنه ۱۹۱۰ در مصر طبع (۲) شده است ابو منصور ثعالی نیز کتاب لطائف المعارف را با اسم صاحب تألیف نموده است (۳)

صاحب بن عباد دارای کتابخانه بسیار عالی نفیسی بوده که از انواع کتب نفیسه‌دفعه نادره تشکیل مییافت چنانچه خود صاحب در وصف کتاب اغانی راجع به کتابخانه خویش اظهار میدارد که در کتابخانه یکصد و هفده هزار مجلد کتب نفیسه موجود میباشد.

آثار صاحب

کتاب محیط در علم لغت مشتمل بر هفت مجلد که به ترتیب حروف تهجی ترتیب داده شده و الفاظش بیش از شواهد آن میباشد سیوطی در طبقات مینویسد (۴)

(۱) نسخه اصل عربی آن دست حقیر نیامده است ولی يك جلد خطی از چهار جلد که تمام ترجمه اوست و در قرن ۸ هجری ترجمه شده است در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید در تهران ملاحظه شده است و از او در این کتاب نقل نموده ایم (۲) آداب اللغة ۳۰۹ ج ۲ (۳) ۲۳۰ ج ۲ آداب اللغة (۴) ص ۳۹۸

که کتاب مزبور مشتمل بر ده مجلد است :

میر محمد اشرف در کتاب فضایل السادات که در سنه ۱۱۰۳ تألیف شده از محیط صاحب مظالمی نقل مینماید از قرار مسموع قسمتی از کتاب محیط در کتابخانه شیخ عبد الحسین شیخ العراقین تهرانی در کربلا موجود است جرجی زیدان ص ۳۰۸ آداب اللغة ج ۲ مینویسد کتاب محیط بترتیب حروف ابجدی امروزه در هفت مجلد نوشته شده است مؤلف الفاظ را در آن کتاب زیاد و شواهد را کم نموده است و جزء سوه آن در کتابخانه خدیوی موجود است و از فهرس کتابخانه مذکوره معلوم میشود باینکه اول آن ناقص و بحرف (ز) منتهی میشود کتاب نهج السبیل فی اثبات التفضیل - یکی از فضلاء ادعای رؤیت آن کتاب را نموده و نزد نویسندگان اوراق اظهار مینمود که مطالب آن کتاب در کمال متانت و رزانت تحریر شده است

کتاب جوهرة الجهرة کتاب اسماء الله تعالی و صفاته کتاب الاعیاد کتاب الامامه کتاب الابانة عن الامامه کتاب اخبار الوزراء ابن خلکان در صفحه ۳۰۸ ج ۱ حالات بنی فرات از این کتاب نقل مینماید کتاب الکشف عن مساوی شعره رساله مخصوص در فن کتابت و تحریر که مشتمل بر ده باب است کتاب الکافی در فن انشاء و ترسل که منتخبات خطی آن در کتابخانه پاریس موجود است

دیوان اشعار صاحب مشهور و در کتابخانه ایا صوفیا در اسلامبول موجود میباشد قصیده از اشعار آن دیوان نیز در براین (۱) است که اشعار ذیل از آن نقل میشود

یا خاطرأ یخطر فی تیهه ذکرک موقوف علی خاطری

ان ائم تکن آثار من ناظری عندي قلا متعت بالناظر

امین احمد رازی در کتاب تذکره هفت اقلیم (۲) شرح حال صاحب بن عباد را ذکر نموده و از شعرهای فارسی او در آنجا نقل مینماید

(۱) آداب اللغة ۲۷۰ ج ۲ (۲) خطی است در کتابخانه سپهسالار جدید در تهران موجود است ...

وزیر مغربی وزیر شرف الدواء بویه

Waziri - Magrabihi

ابو القاسم حسین بن علی بن حسن بن علی بن محمد بن یوسف بن بحر بن بهرام بن مرزبان... از احفاد بهرام گور و چون در قسمت غربی بغداد اقامت داشته بوزیر مغربی مشهور شده است مادرش فاطمه دختر ابی عبد الله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی است ابی عبد الله مزبور از مشاهیر علماء شیعه و صاحب کتاب الغیبه میباشد (شرح حال علی بن حسین پدر وزیر مغربی در نته فصل دوم از این کتاب ذکر شده است ملاحظه شود)

بازی وزیر مغربی در ۱۳ ذی حجه ۳۷۰ هجری متولد شده بر طبق مندرجات و فیات الاعیان (۱) و فهرس نجاشی (۲) و فهرس شیخ طوسی (۳) در ۱۵ رمضان سال ۴۱۸ و یا ۴۲۸ هجری در میا فارقین وفات نمود (وفات وزیر مذکور بطور اصح در ۴۲۸ واقع شد) و جنازه اش را بنا بوصیت خود بوادی السلام نجف حمل نموده در همانجا دفن کردند

در وفیات الاعیان مذکور است که ابو القاسم در موصل از طرف معتمد الدوله و در بغداد از طرف شرف الدوله دیلمی و در دیار بکر از طرف سلطان احمد بن مروان وزارت نموده است نجاشی ویرا از شیعیان امامیه دانسته و در فهرست خویش ذکری از او مینماید ابن خلکان و سایر علماء علم رجال نیز شرح حالات وزیر مزبور را نگاشته اند گویند پدر وزیر مغربی کتابی در علم منطق موسوم باصلاح المنطق تالیف نموده بود و پسرش وزیر مزبور آن کتاب را مختصر نموده و در پشت کتاب اختصار اصلاح المنطق مطالب ذیل بخط والد وزیر مندرج بوده است :

(ابو القاسم حسین (مقصود وزیر مغربی است) در سنه ۳۷۰ متولد گردید و در ابتدای جوانی علم نحو و لغت اطلاع کامل یافت قرآن مجید را حفظ نمود متجاوز از پانزده هزار ابیات قدیم و جدید را محفوظ داشت در خط و سایر معلومات بر همکنان فایق آمد در حساب و جبر و مقابله مهارت تامی پیدا نمود در نثر معاصر تصرفات بدیعه کرد و اشعار منظوم سرائید و این کتاب اصلاح المنطق را به بهترین ترتیب مختصر نمود از خداوند سلامتی ویرا مسئلت مینمایم)

(۱) ص ۱۷۱ ج ۱ (۲) طبع بیای (۳) خطی است و در برلین نیز طبع شده است

باری همینکه الحاکم سلطان مصر پدر و عمو و برادران ابوالقاسم را کشت
مشار الیه نزد مفرج بن دغفل بن جراح بن طائی حاکم رمله رفته ویرا بر الحاکم
شورانید و از آنجا بد حجاز متوجه شده امیر مکه را بنحیال تصرف و غلبه بر الحاکم
و ادار نمود الحاکم از این مطلب مضطرب گردید ولی ابوالقاسم از حجاز مهاجرت
نموده بدیار بکر عزیمت کرده و در آنجا بوزارت احمد بن مروان کردی تعیین گردید
تا اینم آخر زندگی در آنجا اقامت نمود

آثار وزیر مغربی

کتاب خصائص علم القرآن (۱) کتاب اختصار علم المنطق کتاب اختصار غریب المصنف (۲)
رساله در قاضی و حاکم کتاب الاحاق و الاشتقاق کتاب اختیار شعرا بی تمام و
اختیار شعر البحری مختصر امسالح المنطق کتاب الایتناس که از کتب کوچک
نفیس محسوب میشود کتاب ادب الخواص کتاب الماثور فی ملح الخدور کتاب السیاسه که
نسخه از آن در کتابخانه خدیوی مصر میباشد دیوان شعرونثر: ابن شهر آشوب شمه از
اشعار وزیر مغربی که در مدح حضرت امیر (ع) گفته در کتاب مناقب تالیف
خود نقل کرده است (۳)

حسن بن مفضل بن سهلان

ابو محمد زامهرمزی وزیر سلطان الدوله بویه

Hassan-ibn-Mofazzal

ازوزراء نامی شیعه سوز اطراف کربلا را بنا نمود در تاریخ وزراء مذکور است (۴)
که سلطان الدوله و برادرش مشرف الدوله برای وزارت فخر الملك زد و خورد های
بسیار کرده و بالاخره معاهده نمودند بر اینکه هیچیک از آنان مومی الیه را
بوزارت تعیین ننمایند و مشرف الدوله نیابتاً از طرف برادرش در عراق عرب حکومت
کند و سلطان الدوله در اهواز و فارس امارت داشته باشد اما سلطنت الدوله
پس از ورود باهواز خلاف عهد نموده فخر الملك را بوزارت انتخاب کرد و عده

(۱) ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء کتاب المصایح در تفسیر قرآن مجید را بوزیر مذکور
نسبت داده است و ظاهراً بعینه کتاب خصائص فوق الذکر میباشد (۲) افندی در ریاض العلماء کتاب مختصر
غریب الکلام را باو نسبت داده است و او را با کتاب اختصار غریب المصنف متعدد دانسته است
(۳) ص ۳۵ ج ۳ (۴) از مجالس المؤمنین قاضی شوشتری

همراه وی نموده به جنگ مشرف الدوله اعزام داشت فخر الملک از مشرف الدوله شکست خورده بسمت واسط فرار نمود مشرف الدوله ویرا در واسط محاصره نمود بقسمیکه کار آذوقه سخت شده همراهان فخر الملک بگوشت سگ و گربه تغذیه مینمودند بالاخره فخر الملک از قلعه بیرون آمد و دست مشرف الدوله را بوسید و تسلیم وی گردید ۴۱۱ مشرف الدوله در امارت خویش استقلال تام یافته نام سلطان الدوله را از خطبه خارج کرد و در سال ۴۱۲ با برادر خود جلال الدوله متفقاً بر سلطان الدوله شوریده فخر الملک را مقتول نمودند

ابو غالب فخر الملک علی بن خلف واسطی وزیر بهاء الدوله دیلمی

Abou Ghaleb

پدرش صراف بازاری بوده و در نتیجه کفایت شخصی بمقام وزارت بهاء الدوله بن عضد الدوله دیلمی رسید اموال بسیاری جمع آوری نموده و عمارت مشهور بفخریه را در بغداد بنا کرد فخر الملک اول کسی است که در نیمه شعبان بین فقراء حلوا تقسیم نموده و آنها را اطعام کرد شخصاً با سخاوت و نیک فطرت بوده گویند هر روز صبح هزار فقیر را لباس نو عطا میکرد در تشیع و حب آل محمد علنا خودداری نداشت سلطان الدوله در اهواز فخر الملک مزبور را بسن پنجاه سالگی در سنه ۴۰۷ بقتل رسانیده و ششصد هزار دینار نقدینه بعلاوه مقدار زیادی اموال غیر منقول و منقول وزیر مزبور را متصرف شد ابن کثیر شامی در تاریخ وزراء شرح حال فخر الملک را ذکر نموده است (۱)

ابو القاسم علی بن احمد ابرقوئی وزیر بهاء الدوله

Abol-Ghassem Ali-ibn-Ahmed

یاقوت مینویسد (۲) ابرقوه از توابع اصطخر واقع در نزدیکی یزد ابو القاسم علی بن احمد ابرقوئی وزیر بهاء الدوله دیلمی از انقریه است پیش از این از حالات وزیر مزبور بدست نیامده

ابو نصر سابور وزیر بهاء الدوله بن عضد الدوله

Aou Nassr

ابو نصر سابور بن اردشیر از مردمان نومی فاضل دانشمند منزلش جایگاد فضلاء و مجمع حکماء بوده است ثعالی در یتیمه الدهر باب مخصوصی برای اشعار وارده

(۱) از مجالس المؤمنین (۲) معجم البلدان ۸ ج ۱

در مدح ابونصر مزبور ذکر مینماید که شعرای بسیاری مانند ابوالفرج بیضاوی و ابواسحاق صابی و غیره ویرا مدح نموده‌اند در بغداد دارالعلم مخصوصی تأسیس نموده بود که ابی العلاء معزی بآن اشاره مینماید

وَ غَنَّتْ لِنَافِي دَارِ سَابُورٍ قِيْنَةٌ
مَنْ الْوَرَقِ مَطْرَابِ الْأَصَائِلِ مَهْيَابِ

ابونصر بتاریخ ۳۳۶ در شیراز متولد شده و در بغداد بتاریخ ۴۱۶ وفات نمود (۱)

ابو سعد منصور بن حسین آبی وزیر مجد الدوله

Abou Saad

رستم بن فخر الدوله بن رکن الدوله برادر ابومنصور بن حسین آبی وزیر طغرل سلجوقی (۲) یاقوت در معجم البلدان مینویسد ابو سعد منصور بن حسین وزیر از این قریه بوده است مشار الیه متصدی مشاغل عالی گردید و مدتی مصاحب صاحب بن عباد بود سپس وزیر مجد الدوله رستم بن فخر الدوله بن رکن الدوله بن بویه شد در نظم و نثر مهارت داشت کتاب نثر الدرر و کتاب تاریخ رومی و بسیار کتب دیگری را تألیف نمود برادر ابوسعید ابو منصور محمد از نویسندگان بزرگ بوده و وزارت پادشاه طبرستان را نمود (۳)

کتاب نثر الدرر در محاضرات مشتمل بر هفت مجلد کتاب نزهة الادب که مختصری از کتاب مفصل وزیر مزبور در علم محاضرات است از تألیفات ابو معود سابق الذکر میباشد جلد اول کتاب نثر الدرر فعلا در کتابخانه شیخ هادی آل کاشف الغطاء در نجف موجود است شیخ کبیر صاحب الجواهر راجع باستحباب تحنك از کتاب مزبور مطالبی نقل مینماید اساساً کتاب نثر الدرر از کتب نفیسه و تألیفات نادره و مشتمل بر چهار فصل است و فصل اول محتوی بر پنج باب میباشد

باب اول در آیات متشاکله از حیث صورت

باب دوم در موجزات کلام رسول اکرم

باب سوم در نکات کلام امیر علیه السلام

باب چهارم در نکات کلام ائمة اطهار سلام الله علیهم اجمعین

باب پنجم در نکات کلام سادات بنی هاشم

(۱) دائرة المعارف فرید وجدی ۴ ج ۵ و ابن خلکان ج ۱ ص ۲۱۷ (۲) صفحه ۴۸ از این جزء مراجعه شود (۳) صفحه ۵۳ ج ۱ معجم البلدان

فصل دوم مشتمل بر ده باب از مطالب جدی و هزلیات

فصل سوم مشتمل بر بیست باب

فصل چهارم مشتمل بر بیست و یک باب که اول آن بدین عبارت شروع میشود:

بحمد الله نستفتح اقوالنا و اعمالنا

جزء اول تا آخر فصل ثانی و جزء دوم تا آخر فصل چهارم از کتاب نثر الدرر

در کتابخانه خدیوی مصر و تمام مجادلات کتاب مزبور در کتابخانه محمد پاشا در

اسلامبول موجود است

۲ - وزرای دولت صفویه

مقدمه

دولت صفوی از بزرگترین حکومت‌ها و دولت‌شبهه امامیه است که از سال ۹۰۶ تا ۱۱۴۲ حکومت نموده است در زمان سلطنت صفویه استقلال سیاسی ایران تجدید شده فثون و تشکلات آن که پس از حمله مغول و تاتار متلاشی و ساقط شده بود منظم و مرتب گردید اهالی ایران به تشویق پادشاهان صفویه بنشر عنوه و معارف مخصوصاً قسمت دینی پرداختند منهب و دیانت در زمان این خاندان بمنتهای عظمت رسید زیرا گذشته از آنکه صفویه خود از خاندان مهم دینی و مذهبی بوده اند ترویج و تقویت منهب شعبه را برای جلوگیری از حملات عثمانیان متعصب که شیعیان را نوعی از خوارج میدانستند قسمی سیاست بوده که سبب تحکیم و استقرار حکومت صفویان میگردد اینک در این قسمت شرح حال رجال و بزرگان سیاسی شعبه میردازیم که در دربار صفویه وزارت داشته اند اما راجع بحالات رجال و امرائیکه در روحانیت و سیاست شرکت داشتند و آنانرا صدر و شیخ الاسلام میخواندند در فصل سوم این کتاب ذکر خواهیم نمود حالات پادشاهان صفویه و تاریخ سیاسی و مذهبی و نهضت علمی و معارفی آن عصر را در جزء سوم منطبعه طهران و جزء دوم و ششم که هنوز ضیع نگردیده مبسوطاً ذکر نموده ایم

ازوزراء شاه اسماعیل صفوی

۱ - سید امیر عبد الباقي نواده شاه نور الدین نعمه الله ولي معروف

Amir Abdol Baghi

صفوی و جزو علمای عصر خویش محسوب میشد در زبان فارسی شعر میگفت و نویسنده عالی بود سام میرزا در تحفه سامی ویرا ذکر نموده مشار الیه دارای همتی بس عالی و اراده رزین بوده در ابتدای سلطنت شاه اسماعیل بمقام وزارت نایل گشت سپس وکیل الدوله شاه اسماعیل شد و بدون تصویب وی امر مهمی در سر تا سر مملکت انجام نمیگرفت وزیر مزبور در یکی از جنگهای شاه اسمعیل با سلاطین

عمانی کشته شد ۹۲۰

دیوان شعر فارسی امیر عبد الباقی مشهور و بباقی تخلص مینموده است سام میرزا قسمتی از اشعار وی را در تحفه سامی ذکر نموده و رضا قلیخان هدایت نیز در ذیل روضة الصفا چایی دو بیت ذیل را که دلالت بر معرفت و سلوک وی مینماید نقل نموده است

مسکن شده کوچه ملامت ما را ره نیست بوادی سلامت ما را
درویشانیم ترك دنیا کرده این است طریق تا قیامت ما را

افندی در ریاض العلماء بعد از ذکر حالات سید امیر عبد الباقی مینویسد شاید سید امیر عبد الباقی حسینی عینا همان فقیهی است که تصور می‌رود از معاصرین شهید تائی بوده بهر حال فوائد و فتاوی او را مشاهده نمودم (۱)

۲ - میرزا شاه حسین اصفهانی از اولاد شیخ محمد بن یوسف بنای صوفی

Mirza Shah Hossein

معروف که محله شیخ یوسف بناء را در اصفهان بمشارالیه نسبت میدهند میرزا شاه حسین شخص عارف عاقل با اهمیتی بوده است حسن بیک در کتاب احسن التواریخ (۲) شرح حالات ویرا نگاشته چنین مینویسد میرزا شاه حسین در اوایل جوانی به بتائی اشتغال داشت بعدها بخدمت شاه اسماعیل صفوی پرداخت و کم کم بوزارت وی نائل شد جود و سخاوت وی معروف است یکی از نوکران شاه اسماعیل میرزا شاه حسین را نگاهی مقتول نمود و بنا بگفته بعضی قتل وی با امر شاه انجام گرفت بهر حال وزیر مزبور روز چهارشنبه ۲۸ جمادی الاولی ۹۲۹ هـ یکسال قبل از وفات شاه اسماعیل بقتل رسید

۳ وزیر کبیر معصوم بیک

Maassoum Bik

پدر عالم بزرگوار شهید مشهور خان میرزا مدت ها وزارت شاه اسماعیل و شاه طهماسب را نموده و ریاست دیوان را عهده دار بود مشارالیه از محترمین رجال

(۱) تنه روضة الصفا ج ۲ طبع ایران و ریاض العلماء افندی خطی (۲) از ریاض العلماء افندی

دربار صفوی و بین شمشیر و قلم رتبه عالی برای خویش احراز نمود کراماً شاه اسمعیل ویرا به پسر عمو خطاب میکرد پس از انعقاد صلح بین شاه اسمعیل و سلطان سلیم بن سلطان مراد عثمانی معصوم بیک با پسرش خان میرزا عازم حج گردید عثمانیها از روی غدربه لباس اعراب بادیه ملبس شده مشار الیها را با عده از همراهان و رجال احرام شهید نمودند اسکندریک در کتاب عالم آرا شرح حال معصوم بیک را امر قوم داشته است (۱)

۴ خواجه جلال الدین محمد کججی

Djalal-ed-Din

از وزرا، معروف حوزه شاه طهماسب و شاه اسمعیل است پس از قتل میرزا شاه حسین شاه اسمعیل مشار الیه را که از رفقای قتیل مزبور بود بوزارت انتخاب کرد روزی خواجه جلال الدین بیادرفیق خود میرزا شاه حسین افتاد و رباعی ذیل را سرائیده ای نور دو دیده جهان افر روزم
رفقی تو و چون شب سیه شد روزم
گویا من و تو دو شع بودیم هم
کایام تو را بکشت و من میسوزم
خواجه جلال الدین پس از یکسال وزارت شاه طهماسب بدست دیو سلطان رو مو کشته شد و جسدش را با امر مومی الیه در حصیری پیچیده سوزانیدند پس از قتل خواجه قاضی جهان سیفی قزوینی (شرح حال وی ذکر خواهد شد) و بعد از او میر جعفر ساوجی بوزارت رسید وزیر اخیر در معرکه منازعه که بین امراء واقع شد بقتل رسید سپس احمد بیک نور کمال از بزرگان طایفه کالیه اصفهان مدت شش سال مستقلاً وزارت شاه طهماسب را عهده دار شد خواجه غیاث الدین ممدوح شریف تبریزی آقا محمد فراهانی و خواجه امیر بیک مشهور بامیر بیک مهرداد از خویشان میرزا زکریا کججی و میرزا بیک ابهری و معصوم بیک صفوی در دوره سلطنت شاه طهماسب بنوبه خویش پی در پی بوزارت رسیدند خواجه امیر بیک مزبور در علم نیرنگ و جفر معرفت تام داشت ادعای تسخیر شمس نمود شاه بر وی غضب کرده در قلعه الموت حبسش نمود تا آنکه در ایام اسماعیل میرزا رهائی یافته وفات کرد (۲)

از وزرای شاه طهماسب

۱ - سید شریف زین الدین علی باقی وزیر شاه طهماسب

Seyed-Sharif

افندی مینویسد نام ویرا در کتب و تاریخ ندیدم و شاید از احفاد سید شریف جرجانی است

مولی قوامی شیرازی معاصر وزیر مزبور و نایب وی در رساله فارسی راجع به ترتیب دادن اوراق قبالحجات و حوالجات چنین می نگارد عالیحضرت متعالی رتبت سید نقیب عالی امیر شریف باقی البالغ علو شأنه الی الدرجة العلیا والرتبة القصوی جامع بین منصب ایالت شرعیه و حکومت ملیه یکی از حکام شریعت در فارس و در اواخر عمر بوزارت عظمای دربار سلطنت شاه طهماسب ارتقاء یافت قوامی فوق الذکر راجع به محکمه قضاوت سید شریف در شیراز شرح ذیل را مرقوم میدارد

(اعلی محاکم الشرع الشریف واسنی محافل الدین المنیف بدار الملك شیراز صاحبها الله عن الاعواز فی ظل عالی حضرة والیهما و حاکمها السید الاعلم المطاع الاجل الاعظم الامجد المتحتم الاتباع قاضی القضاة فی البلاد المانوسه و والی الولاية فی الممالک المحروسه حاکم امور جمهیر الانام علامة العلماء الاعلام نهاية الحکماء العظام مرتضی ممالک الاسلام الذی شید بوجوده الشریف محافل الدرس والفنوی بصائب احکام مسند الافادة والقضاء زین الاسلام والمسلمین خلدالله تعالی ظلال سیادته و احکامه بین الوری) سپس قوامی مینویسد این بنده قریب چهل سال در خدمت حضراتش بوده و مدتی نیز بسمت نیابت قضاوت آن جناب اشتغال داشتم (۱)

(۲) قاضی جهان سیفی قزوینی

Ghazi Djahan

از بزرگان علماء و سادات سیفیه قزوین در علم و زهد سرآمد اقران بوده ابتدا بملازمت قاضی محمد کاشانی اشتغال داشت و در ایام وکالت میرزا شاه حسین با مشارکت خواجه جلال الدین محمد بوزارت میرزا شاه حسین نایل شد همینکه

دیو سلطان جلال الدین محمد را سوزانید مستقلاً بوزارت میرزا شاه حسین تعیین گردید اتفاقاً بین طوایف استاجلو و تکلو نزاعی رخ داده و قاضی بطرف کیلان مسافرتی کرد مظفر سلطان بن امیر حسام الدین که با قاضی جهان عداوت مخصوصی داشت به تحریک سلسله نوربخشیه متصوفه قاضی را حبس نموده و باقسام سختیهای گوناگون معذب کرد پس از مرگ مظفر سلطان قاضی رهائی یافت و با مشارکت امیر سعد الدین عنایت بوزارت شاه طهماسب ارتقاء یافت و پس از مرگ سعد الدین مدت پانزده سال مستقلاً وزارت شاه طهماسب را نمود در اواخر عمر قاضی جهان بواسطه پیری و شیخوخیت مجبور بکناره گیری از مشاغل رسمی شد در همان اوقات عدّه بشاه طهماسب خبر دادند که قاضی بسیاری از املاک موقوفه قزوین را تصرف نموده است شاه طهماسب در صدد استرداد املاک و جریمه قاضی بر آمد مشار الیه از واقعه خبر دار شد نزد شاه طهماسب آمد شاه ویرا عفو نمود و مقداری سیور غلات باو بخشید و اجازه فرمود که بقزوین مراجعت نماید وفات قاضی بتاريخ ۹۶۰ هـ واقع شد و پسرش شرف جهان وارث اموال وی گردید (۱)

از مشاهیر وزرای شاه عباس

۱ - سید علاء الدین حسین بن صدر کبیر

Seyed Alaaed-Din

حسین بن صدر کبیر از وزرای نامی شاه عباس نسبش بطریق ذیل میباشد حسین بن صدر کبیر میرزا رفیع الدین محمد بن امیر شجاع الدین محمود بن امیر علی مشهور بخلیفه سلطان بن خلیفه هدایت الله اصفهانی مازندرانی مرعشی معروف بخلیفه سلطان و سلطان العلماء از خاندان علم و دانش بوده امیر قوام الدین مشهور بمیر بزرگ والی طبرستان و مازندران جد معظم له است باری علاء الدین در مازندران بتاريخ ۱۰۶۴ هـ وفات نموده و جسدش را به نجف اشرف حمل نمودند بعقیده سید علیخان مذکور در سلافة وفات مشار الیه در سال ۱۰۶۶ واقع شده است و بنا بگفته افندی ممکن است در تاریخ وفات وی سهوی رخ داده چه که وزیر مزبور بعد از مراجعت از فتح قندهار در شهر اشرف مازندران اوایل

سلطنت شاه عباس ثانی وفات نمود چه که تا عصر افندی یعنی سنه ۱۱۰۶ پیش از پنجاه سال فاصله نبوده است سید علاء الدین در عالم علم و فضل دارای مقام ارجمندی بوده و اکثر علوم معموله عصر خود مخصوصاً در فقه و اصول تتبع کامل داشت و بسمت مصاهرت شاه عباس کبیر ارتقاء یافت بعد از وفات سلیمان خان وزیر در سال ۱۰۳۳ بوزارت شاه عباس نایل گردید و همانموقع پدرش رفیع الدین منصب رفیع صدارت را متصدی بوده است پدر و پسر در یک دارالحکومه جلوس نموده به تمثیت امور می پرداختند تا آنکه والدش دارفانی را وداع گفت بعد از شاه عباس کبیر شاه صفی مدت دو سال منصب وزارت را بوی واگذار نموده سپس بر وی متغیر شده پسر وزیر را کور نمود و خودش را به اقامت قم امر نمود اما پس از چندی علاء الدین را باصفهان خواست علاء الدین چندی در اصفهان اقامت نموده عازم حج شد و بعد از مراجعت در زمان شاه عباس ثانی پس از قتل محمدتقی وزیر بوزارت شاه عباس ثانی تعیین گردید ۱۰۵۵ و با شاه بفتح قندهار حرکت نموده هنگام مراجعت در ملازمت رکاب همایونی بتاريخ ۱۰۶۴ در مازندران وفات نمود جسدش را بطوریکه سابقاً ذکر شده نجف حمل نموده و آنجا دفن نمودند سید علاء الدین مدت پنجسال وزارت شاه عباس کبیر را نموده و دو سال تمام وزارت شاه صفی را عهده دار بوده است مدت اخیر وزارت سید علاء الدین در دوره شاه عباس ثانی هشت سال طول کشید

تحصیلات سید علاء الدین

مشار الید نزد پدرش که از فضلی مشهور بوده قسمتی از علوم را فرا گرفت حاشیه بر قسمتی از شرح لمعه مرقوم داشته است و از شیخ بهائی عاملی معروف تحصیل اجازه نموده بود و از همدرسان مولی خلیل قزوینی میباشد خلیل قزوینی کتاب الشافی در شرح کافی را برای وی تألیف کرده است باز ماندگان و اولاد سید علاء الدین از فضلی دوره خود بودند با آنکه شاه صفی غالب آنها را در کودکی کور نموده بود بر اکثری از همکنان در علم و کمال سبقت داشتند پسر وسطی سید علاء الدین میرزا ابراهیم از فضلاء و محققین نامی است در بسیاری از کتب مهمه فقه و اصول مطالعاتی نموده که بهترین تحقیقات وی حاشیه